



ادراك رايچ معلمان از مدارس چندپايه

مدارس چند پایه بخش مهمی از آموزش و پرورش رسمی تلقی می‌شوند و پراکندگی آن‌ها در کلیه نقاط روستایی و حتی شهرهای کوچک کاملاً مشهود است. اگرچه بسیاری از آموزگاران چند پایه با عشق و علاقه‌ی قابل تقدیری به تدریس در این نوع مدارس می‌پردازند، اما همواره با مسائلی نیز مواجه هستند. مقاله‌ی حاضر بعضی از این مسائل را که به ادراک معلمان از تدریس در مدارس چند پایه مربوط است، بررسی می‌کند.

لایه‌های اجتماعی و آینده‌ی آموزش برای همه موجب شد جداسازی کلاس‌های درس یک بار دیگر تحت تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار بگیرد و چند پایه شدن از بطن تک پایگی متولد شود. اینها را گفتیم تا معلوم شود که چندپایه، همانند تک پایه، نوعی نظام آموزشی مستقل به حساب نمی‌آید و در اغلب کشورهای دنیا برنامه‌ی درسی جداگانه و کتاب‌های مخصوصی برای آن تدوین نشده است. به تبع آن، معلمان نیز در دل چندپایگی به دنبال برآورده کردن سازوکارهای تک پایگی هستند. با این حال، مدارس چندپایه که عموماً برای رفع بحران مربوط به توسعه‌ی همه جانبه‌ی آموزش و رفع موانع مالی - خدماتی در مناطق کم جمعیت و کم امکانات روستایی تشکیل می‌شوند، چالش‌هایی را در بحث آموزش به همراه دارند، چراکه آموزش را دوباره به تک‌اناقی، یک معلمی و چندسنی بودن بازگردانده‌اند، در حالی که رعایت برنامه‌ی درسی اختصاصی و توالی تنظیم شده‌ی پایه‌ها در جای خود باقی مانده‌اند.

ادراك رايچ معلمان نسبت به

كلاس‌های چندپايه

ممکن است همه‌ی معلمان تاریخچه‌ی چندپایه را ندانند، اما همه‌ی آن‌ها از این

سابقه‌ی تعلیم و تربیت در مدارس تک‌معلمی، با ترکیبی از دانش‌آموزان در سنین گوناگون، تاریخچه‌ای بسیار قدیمی دارد، چنان‌که در مدارک تاریخی آمده است که مدارس قرون وسطا به همین شکل اداره می‌شدند، اما آن‌ها ویژگی‌های خاصی نیز داشتند. مثلاً این پیش‌فرض وجود نداشت که هر دانش‌آموز سوابق یادگیری مشابهی با سایرین داشته باشد. نیز این ضرورت نبود که تمامی دانش‌آموزان در سراسر زمان تدریس معلم در کلاس باقی بمانند. مسلماً این بافت سست مدارس در قرون وسطا که با برنامه‌های سازمان‌نیافته همراه بود، چندان خوشایند نظام‌های صنعتی قرار نگرفت و در دوره‌ی رنسانس، ایده‌ی برنامه‌ی درسی و توالی آموزشی مطرح شد. با این حال، تغییر وضعیت از آموزش دانش‌آموزانی سطح‌بندی نشده و ناهمگون از نظر سنی و با دستاوردهای آموزشی متفاوت، به مفهوم امروزی کلاس‌های درجه‌بندی شده از نظر سن و موفقیت تحصیلی، فرایند آهسته‌ای بود که حدود پنج قرن به طول انجامید.

عبور از رنسانس یک پیامد دیگر هم داشت و آن این بود که با وجود روند رو به توسعه‌ی ساختارهای سازمان‌یافته در مدارس که تک پایگی را به عنوان شیوه‌ی متعارف و مطلوب آموزش به نمایش می‌گذاشت، گسترش تدریجی فرصت‌های آموزشی تا فقیرترین

کلاس‌ها یک ذهنیت مخصوص به خود دارند. مطالعات متعددی در مورد ادراک معلمان از مدارس چند پایه در کشورهای مختلف جهان انجام شده‌اند. مثلاً در پژوهشی که روی نگرش معلمان کشور پرو نسبت به مدارس چند پایه صورت گرفته، آمده است که از دیدگاه اغلب معلمان اهل پرو کلاس‌های تک پایه به‌عنوان کلاس‌های نرمال پذیرفته شده‌اند و کلاس‌های چندپایه انتخاب درجه دوم آنان محسوب می‌شوند. چنان‌که در هنگام سازمان‌دهی منابع انسانی، معلمان عموماً حضور در کلاس‌های چند پایه را بر نمی‌گزینند و برای کار در این مدارس احساس آمادگی نمی‌کنند. بر اساس پژوهشی دیگر، نتایج مصاحبه با معلمان کشور نیپال هم که در این مدارس مشغول به کار بوده‌اند یا تجربه‌ی کار در این مدارس را داشته‌اند، نشان می‌دهد اغلب آنان کار در مدارس

اغلب موارد نسبت به هم رده‌های خود در کلاس‌های تک پایه از پیشرفت تحصیلی مناسبی برخوردار بوده‌اند و در تعاملات و مناسبات اجتماعی حتی پیشرفت چشمگیرتری نشان داده‌اند.

به سوی ادراک‌های تازه در آموزش چندپایه

همان‌گونه که پژوهش‌ها به کرات گوشزد کرده و معلمان علاقه‌مند در مدارس چندپایه نیز عنوان کرده‌اند، آگاهی نداشتن معلمان از فنون و روش‌های تدریس ویژه‌ی چندپایه به عامل مهمی در پایین آمدن کیفیت آموزش این کلاس‌ها و به تبع آن یکی از دلایل عمده‌ی استقبال کم‌رنگ معلمان برای حضور در مدارس محروم چندپایه تبدیل شده است. لیکن نیک به نظر می‌رسد که علاوه بر لزوم آموزش تکنیکی مدیریت زمان و روش تدریس در کلاس‌های چندپایه، که خود یک ضرورت گریزناپذیر است، تلاش فردی معلمان برای غنی‌سازی تجارب شخصی و بهسازی حرفه‌ای خود که توأم با دیدگاه اخلاقی و عاطفی نسبت به تدریس در مدارس چندپایه و دلگرمی نسبت به وجود ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی نهفته در آموزش چندپایه است، قطعاً ضرورت مهم‌تری محسوب می‌شود که شایسته است به‌صورت جدی بدان پرداخته شود تا ادراک‌های تازه و سازنده‌تری از آموزش در کلاس‌های چندپایه را رقم بزند.

آگاهی نداشتن معلمان از
فنون و روش‌های تدریس
ویژه‌ی چندپایه به عامل
مهمی در پایین آمدن
کیفیت آموزش این کلاس‌ها
تبدیل شده است

خواندن مطلب «بیم‌هاو امیدهای یک معلم چندپایه»
در صفحه ماقبل آخر (۳ جلد) را توصیه می‌کنیم.

است از کاربرد روش منحصربه‌فرد خود در این کلاس‌ها نتیجه‌ی مطلوبی نگیرند و تلاش آن‌ها در جهت ننگ داشتن اعضای یک کلاس که ترکیبی از چند گروه با سنین غیر همسان، با آمادگی‌های متفاوت و انگیزه‌های متنوع است، به صورت یک کل منسجم، امری مایوس‌کننده باشد و در نهایت به آن‌ها احساس بی‌کفایتی دست بدهد. این احساس ناخوشایند زمانی در آنان افزایش می‌یابد که مجبور شوند برای آموزش به مدارس بروند که دور از شهر و در مناطق دور دست و حاشیه‌ای واقع شده است و ساکنانی از اقلیت‌های قومی و زبانی داشته باشند. در این شرایط، معلمان فکر می‌کنند در مدارس چندپایه، به دلیل رفت و آمد سخت و ارتباط کم با دیگر معلمان، به انزوا کشیده می‌شوند و معضلاتی مانند نبود یا کمبود مواد پشتیبان آموزشی، امکان حل مسائل کلاس در سشان را به تعویق خواهد انداخت. به عبارت دیگر می‌توان گفت، یکی از نگرانی‌های معلمان از حضور در کلاس چند پایه مشکلاتی است که می‌پندارند بر سر کیفیت تدریسشان خواهد آمد. البته این درجه از نگرانی چندان هم بی‌مناسبت نیست، چرا که برای آموزش اثربخش به کودکان در محیط‌های چند پایه، به معلمان به خوبی آموزش دیده، منابع خوب و نگرش مثبت نسبت به محیط آموزشی چندپایه نیاز است، در صورتی که بسیاری از معلمان در مدارس چند پایه برای این کار آموزش ندیده‌اند یا هنر تدریس آن‌ها به کلاس‌های تک پایه منحصر است.

از سوی دیگر، اغلب معلمان فکر می‌کنند دانش‌آموزان چندپایه نمی‌توانند به اندازه‌ی دانش‌آموزان تک پایه مطالب درسی را دریافت کنند. این نگرانی از کسب نتایج موفقیت‌آمیز، ممکن است به نگرش منفی آن‌ها نسبت به چندپایه دامن بزند، در حالی که بر اساس نتایج پژوهش‌های ملی و بین‌المللی، دانش‌آموزان چندپایه در



چند پایه را بسیار سخت‌تر از مدارس تک پایه می‌دانند. تعدادی از پژوهش‌های داخل کشور خودمان هم به‌نبود یا کمبود انگیزه‌ی برخی معلمان ایرانی نسبت به تدریس در مدارس چندپایه‌ی واقع در روستاهای کم جمعیت و فاقد امکانات اولیه‌ی زندگی اشاره کرده‌اند. البته در این بین، عده‌ای از پژوهش‌ها نیز حاکی از این است که معلمان برخی مناطق نسبت به چند پایه نگرش مثبتی دارند، چنان‌که در لندن معلمان عنوان می‌کنند برای آنها تدریس در مدارس تک پایه یا چند پایه فرق زیادی با هم ندارد. با کمی تأمل می‌توان گفت، تعداد قابل توجهی از دلایل رغبت نداشتن معلمان برای تدریس در مدارس چندپایه ناشی از برداشت‌های شخصی آنان از میزان توانمندی حرفه‌ای‌شان و یا ترس از نبود امکان سازگاری با یک محیط تجربه نشده است. برخی از معلمان فکر می‌کنند ممکن